

تقدیر رهبر انقلاب از کمک‌های خرد مردم به پویش «ایران همدل»

دبیر پویش «ایران همدل» جزئیاتی از ۲ دیدار مسئولان این پویش با رهبر معظم انقلاب اسلامی را برای نخستین بار تشریح کرد: «در دیدار اول، گزارشی خدمت‌شان ارائه دادیم که از حضور بچه‌های جهادی بود و از خدماتی که آنجا انجام می‌دهند و رفقا از روحیه مردم لبنان گفتند که روحیه خیلی خوبی دارند. حضرت آقا پرسیدند میزان مشارکت‌ها چگونه است؟ الان مردم چقدر مشارکت می‌کنند؟ من خدمت‌شان عرض کردم روزانه در برخی روزها مردم بالای ۲۰ میلیارد تومان واریز می‌کنند و آقا فرمودند تعداد اینها چقدر است. عرض کردم چند میلیون نفر تا حالا مشارکت کرده‌اند و ایشان گفتند همین کمک‌های خرد است که باعث می‌شود مردم مشارکت بالا داشته باشند.

ایمان عطارزاده ادامه داد: در دیدار دیگری خدمت‌شان رسیدیم؛ برخی رفقا مثل آقای یکتا هم بودند، دوستانی از سازمان تبلیغات نیز بودند. آقای یکتا گزارشی داد از اتفاقاتی که در لبنان افتاده و از خدماتی که انجام شده در آنجا. آقا اظهار رضایت کردند و یک نکته‌ای که به نظر خیلی جالب بود این است که یکی از رفقا از حضرت آقا درخواست کرد در این شرایط سختی که بر جبهه مقاومت می‌رود، آقا یک توصیه‌ای داشته باشند، حرفی بزنند برای دل بچه‌ها، برای آرامش دل بچه‌های حزب‌اللهی و بچه‌های کل میدان تا دل آنها قرض شود؛ هم محکم کار کنند. آقا فرمودند همین سوره فتح و دعای ۱۴ صحیفه سجادیه را که توصیه کردم، بخوانید و بعد فرمودند شرایطی که امروز ما در سوریه و لبنان و غزه داریم، با این مضمون، از شرایط ما در دهه ۶۰ در تهران حتما سخت‌تر نیست. ما در دهه ۶۰ در تهران زیر موشکباران رژیم صدام بودیم و هیچ چیز نداشتیم و امروز شرایط ما به مراتب از آن شرایط بهتر است. ان‌شاءالله پیروزی از آن جبهه اسلام خواهد بود».

■ ■ ■

اندیشکده‌انگلیسی:

ایران در حاشیه‌سیاست جهان نیست

اندیشکده انگلیسی «ای اینترنشنال ریلیشن» (E-International Relations) در تحلیلی تفصیلی تصریح کرد جنگ ۱۲ روزه، تنها نبردی نظامی نبوده، بلکه بازتابی از نظم جهانی‌ای بود که هنوز از نگاه اروپامحور تحلیل می‌شود. برای فهم واقعی آن باید ایران را نه به‌عنوان «دیگری» بلکه در مرکز تحلیل قرار داد. در این تحلیل آمده است: «ریشه‌های جنگ، بسیار پیش‌تر از این حمله بود؛ روابط در تنش ایران و اسرائیل، در «جنگ سایه» در سوریه و در بحران غزه که با حکم سازمان ملل به‌عنوان نسل‌کشی شناخته‌شد، بسیاری از ایرانیان حمله اسرائیل را تجاوز علیه حاکمیت ملی و مانعی برای مموکراسی دانستند. در این میان، پرزیدنت پزشکیان، اسرائیل را «رژیم اشغالگر و متجاوز» خواندند و مشروعیت‌اخلاقی آن را به چالش کشید». نویسندگان گزارش در پایان نوشتند: اندیشیدن جهانی به این جنگ یعنی دیدن پیچیدگی‌ها، تناقض‌ها و عاملیت ایرانیانی که دیگر نباید در حاشیه سیاست جهان تصور شوند.

■ ■ ■

سندیکای خبری یهود:

رابطه ایران و چین جایگزین رابطه اسرائیل و چین شده

سندیکای خبری یهود در تحلیلی نوشت: پس از حمله ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس، روابط متحاطانه اسرائیل و چین فروپاشید و یکن به منتقد سرسخت تا آن‌و یود بدل شد: «چین با استفاده از رسانه‌های جهان و شبکه‌هایی چون تیک‌تاک، افکار عمومی را علیه اسرائیل شکل داد و در داخل نیز با سانسور چهره‌دار، روایتی ضداسرائیلی ترویج کرد. از دیدگاه ما ایران و گروه‌های لبنانی آن حکایت دارد. سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ گذشته‌اند؛ قراردادی که میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری و دسترسی به نفت ایران را تضمین می‌کند». نویسندگان این گزارش در ادامه درآوردند گزارش‌ها از ارسال سامانه‌های موشکی و قطعات پهپاد چینی به ایران و گروهبان لبنانی آن حکایت دارد. در حالی که واشنگتن شرکت‌های چینی را به دلیل تأمین فناوری برای یمنی‌ها و حماس تحریم کرده، یکن خود را رهبر «چهان جنوب» و بدیل اخلاقی غرب می‌نامد. سندیکای خبری یهود، یک وبسایت خبری است که از سال ۲۰۱۱ تلاش دارد به موضوعات خبری به شکل تحلیلی‌تر ولی به سود رژیم اشغالگر توجه کند.

■ ■ ■

عراقچی:

زیاده‌خواهی آمریکا باعث شده به میز مذاکره بازنگردیم

وزیر امور خارجه گفت: تازمانی که آمریکایی‌ها سیاست زیاده‌خواهانه و حداکثری خود را کنار نگذارند و تقاضاهای غیرمعقول از ما داشته باشند به میز مذاکره باز نمی‌گردیم. سیدعباس عراقچی که چهارشنبه برای شرکت درهمایش منطقه‌ای دیپلماسی استانی به مشهد سفر کرده بود، در بدو ورود به فرودگاه مشهد هاشمی‌نژاد در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: مذاکراتی که قبلاً با آمریکایی‌ها در جریان بود و همچنین مذاکرات نیویورک، به دلیل زیاده‌خواهی طرف آمریکایی متوقف شد و پیش‌نرفت. وی اضافه کرد: با آقای ویتکاف از طریق اس‌تکمان ورود مجدد به مذاکرات شد، جمهوری اسلایی ایران البته اهل صلح و دیپلماسی است. وزیر امور خارجه اظهار کرد: ما نشان داده‌یم همواره پایبند به راه‌حل‌های دیپلماتیک هستیم اما این به معنی گذشتن از حقوق مردم ایران نیست. هر کجا منافع مردم ایران و مصالح کشور از طریق دیپلماسی نماین شود، ما اقدام کرده‌ایم اما با کسانی مواجه هستیم که هیچگاه به دیپلماسی پایبند نبوده‌اند. عراقچی افزود: تازمانی که این روحیه و رویکرد در تجربیات تلخ در مذاکره با آمریکایی‌ها وجود دارد، طبیعتی است امکان ورود مجدد به مذاکرات وجود ندارد، مگر اینکه رویکرد آمریکایی‌ها تغییر کند و آنها قبول کنند مذاکرات بر اساس احترام متقابل و از مواضع برابر باشد. آنها بسیاری دیگر را امتحان کرده و نتیجه نگرفت‌اند و اگر دوباره به همین روند ادامه دهند باز هم به نتیجه نخواهند رسید.

گروه سیاسی: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی‌اش در کنست رژیم صهیونیستی یک بار دیگر حمله بمبافکن‌های آمریکایی به تأسیسات هسته‌ای ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه را یادآوری و تصریح کرد ایران «۲ ماه» با ساخت بمب اتم فاصله داشت. ۲ ماهی که رئیس‌جمهور آمریکا از آن یاد می‌کند، در ۲۰ سال گذشته از زبان مقامات مختلف غربی و صهیونی، زمان‌های مختلفی داشته است. آخر ۱۳۸۴/ دسامبر ۲۰۰۵، رئیس سابق ستاد کل ارتش اسرائیل در یک سخنرانی در مؤسسه هادسون ادعا کرد «ایران ظرف یک سال و نیم به فناوری هسته‌ای و ظرف ۳ تا ۵ سال به بمب اتم دست خواهد یافت». شورای امنیت سازمان ملل ۲۳ آذر ۱۳۸۵ (۲۲ دسامبر ۲۰۰۶)، تحریم‌هایی علیه ایران وضع کرد. این در حالی بود که ۱۲ آذر ۱۳۸۶ (۳ دسامبر ۲۰۰۷)، گزارش محرمانه اطلاعاتی ملی آمریکا افشا کرد. همین گزارش تصریح کرده بود «گمان می‌رود ایران از نظر فنی قادر به تولید اورانیوم غنی‌شده کافی برای یک سلاح هسته‌ای بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ باشد». اما نه این گزارش و نه قطعنامه‌های تحریمی، تغییری در ادبیات غرب نسبت به ایران ایجاد نکرد.شهریو ۱۲۹۰، دفتر رئیس‌جمهوری فرانسه در بیانیه‌ای از ایران خواست تمام فعالیت‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود را که توسط پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قطعنامه‌های سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممنوع شده، فوراً به حالت تعلیق درآورد.

■ **نقاشی نتانیاهو در سازمان ملل**

جان مک‌کین، سناتور آمریکایی ۳ مرداد ۱۳۹۲ (۲۵ ژوئیه ۲۰۱۳)، در مصاحبه با سی‌بی‌اس در واشنگتن ادعا کرد ایران هفته‌ها با بمب اتم فاصله دارد اما جالب‌ترین و البته مضحک‌ترین حرکت برای ادعای فاصله کم ایران با ساخت بمب اتم، بدون تردید تعلقی می‌گیرد به سخنرانی نتانیاهو در تیر ۱۳۹۱ در مجمع عمومی سازمان ملل. نتانیاهو در آن سخنرانی یک نقاشی کد کلاه روی دست برد و خط جداکننده ۶۰ درصد و ۹۰ درصد روی یک بمب را قرمز کرد و گفت ایران چند ماه تا ساخت بمب فاصله دارد: «ایران مرحله اول ساخت بمب اتم را تکمیل کرده و هم‌اکنون وارد مرحله دوم شده است و تا بهار آینده با حداکثر تابستان آینده مرحله دوم را تکمیل خواهد کرد و وارد مرحله آخر می‌شود و پس از آن فقط چند ماه یا چند هفته با تولید اولین بمب اتم خود فاصله خواهد داشت». اما هر بار ادعاهای سیاسی دیده می‌شد و ارزیابی‌های فنی مورد انکار قرار می‌گرفت: از جمله

بالاخره ایران چند ماه تا ساخت بمب اتم فاصله دارد؟

یک بهانه ۲۰ ساله



گزارش آژانس انرژی اتمی در آذر ۱۳۹۴ که می‌گفت هیچ نشانه معتبر از فعالیت‌های تسلیحاتی پس از ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) در دست خط و نشان کشیدن‌ها و انگشت تهدیدها بالا بردن‌ها، دوره مذاکره برجام و پس از امضای آن ادامه یافت اما پس از خروج آمریکا از برجام، نتانیاهو در ادعای نزدیک بودن ایران به بمب اتم یک همراه سرسخت پیدا کرد. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا که اعتقاد داشت ایران در قلب توافق هسته‌ای همچنان به دنبال ساخت بمب اتم است، بهمن ۱۳۹۹، وزیر انرژی رژیم صهیونیستی ادعا کرد ایران برای ساخت بمب اتم فقط ۶ ماه لازم دارد. فروردین ۱۴۰۰ (آوریل ۲۰۲۱)، ۳ کشور اروپایی در بیانیه مشترک لندن، غنی‌سازی ۶۰ درصد را «گامی به سمت ساخت بمب اتم» دانستند. هر اندازه غرب در پی القای ترس به جامعه جهانی بود، ایران اصرار داشت گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با همه ابهام و عدم قطعیت و سیاسی کاری‌هایی که دارد، نیت یا هدف ایران برای تولید بمب اتم را نمی‌رساند اما تعبیرانگیز است اگر بدانیم همه زمان‌بندی‌ها و تخمین‌هایی که در ۲۰ سال گذشته درباره فاصله ایران با تولید بمب اتم ادعا دارد، با ادعای انتونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن قابل مقایسه نیست. ۲۹ تیر ۱۴۰۳ (۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴)، او در انجمن امنیت اسپن در کلرادو هشدار داد: «ایران یک تا ۲ هفته با در

اختیار داشتن مواد بمب اتم فاصله دارد». یک سال قبل از این ادعای بلینکن، یک مقام ارشد وزارت دفاع ایالات متحده گفته بود ایران اکنون می‌تواند «مواد شکافت‌پذیر به اندازه یک بمب اتم» را ظرف «۱۲ روز» تولید کند.

■ **اعتراف گابارد، عضویت ترامپ**

تناقض‌های غرب پایان نداشت، حتی در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ که او کابینه‌ای ضعیف‌تر و نزدیک‌تر به دیدگاه‌های خود ترتیب داده است. تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، ۵ فروردین ۱۴۰۴ (۲۵ مارس ۲۰۲۵) در شهادت کمیته سنا در واشنگتن دی‌سی گفت برنامه ساخت بمب اتم ایران از ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) متوقف شده، غنی‌سازی نگران‌کننده است اما تسلیحاتی نیست. در واکنش به این سخنان، ترامپ به خبرنگاران گفت: «برایم مهم نیست او چه گفته ایران به داشتن بمب اتم «بسیار نزدیک» است».

۶ روز پس از حمله اسرائیل به ایران در خرداد ۱۴۰۴، بی‌بی‌سی در پی ارزیابی ادعای نتانیاهو برآمد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی فردای حمله گفته بود «اگر جلوی ایران گرفته نمی‌شد، ایران می‌توانست در مدت زمان بسیار کوتاهی سلاح هسته‌ای تولید کند». او ادعا کرده بود «اتش‌مدانان هسته‌ای که کشته شدند، در حال کار روی بمب ایرانی بودند» اما از

عقب‌نشینی پزشکیان از اجرای برنامه هفتم، پیشرفت

کاهش اهداف کلیدی رشد، اشتغال و بهره‌وری در نخستین سال دولت چهاردهم

از گذشته احساس می‌شود. تجربه کشورهایی چون کره جنوبی، هند و ترکیه در دهه‌های اخیر نشان داده حتی در دوران محدودیت‌های خارجی، پایبندی به برنامه‌ریزی ملی نوانسته موتور رشد را حفظ کرد. در ایران نیز هرگاه دولت‌ها در مسیر برنامه‌های ۵ ساله پیشرفت فاصله گرفته‌اند، میانگین رشد اقتصاد به زیر ۲ درصد سقوط کرده است. از طرف دیگر، تعدیل اهداف برنامه را می‌توان نشانه‌ای از غلبه ملاحظات سیاسی و کوتاه‌مدت در منطق فنی و توسعه‌ای دانست. دولت چهاردهم در نخستین سال خود با کسری بودجه سنگین، مطالبات اجتماعی فزاینده و فشار برای افزایش هزینه‌های جاری روبه‌رو شده است. در چنین فضایی، تلاش برای جلب رضایت کوتاه‌مدت گروه‌های ذی‌نفع، عملاً جای تعهد به اجرای قانون برنامه را گرفته است. این وضعیت نوعی «تله سیاست‌گذاری واکنشی» ایجاد می‌کند؛ یعنی دولت به جای هدایت فعال اقتصاد در مسیر توسعه، صرفاً به واکنش در برابر بحران‌های روزمره بسنده می‌کند. نتیجه چنین وضعی، کند شدن رشد اقتصاد، فرسایش پایداری اعتماد عمومی و کاهش توان تصمیم‌گیری مستقل دولت در برابر فشارهای سیاسی است. عقب‌نشینی از اهداف برنامه هفتم پیشرفت صرفاً یک اصلاح عددی نیست، بلکه نشانه‌ای از بحران در نظام برنامه‌ریزی کشور است. اگر کشور خود را متعهد به قانون، و وعده‌های انتخاباتی و سیاست‌های کلی نظام می‌داند، باید هر چه سریع‌تر به مسیر اجرای دقیق برنامه بازگردد. تحریم‌ها و محدودیت‌ها هر چند واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصاد ایرانند اما نمی‌توانند توجیهی برای بی‌پایه‌های باشند. در نهایت، آنچه می‌تواند کشور را از رکود مزمن خارج کند نه شعارهای تازه، بلکه پایبندی به همان برنامه‌ای است که بر مبنای سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر انقلاب تصویب شده است، در غیر این صورت آنچه باقی می‌ماند نه توسعه، بلکه مدیریت روزمره است که آینده‌ای برای اقتصاد ایران ترسیم نخواهد کرد.

از نمایندگان مجلس بوده و به تمام اهداف آن آگاهی داشته است. از این رو، غیرقابل اجرا دانستن همان احکام از سوی دولت فعلی، از منظر پاسخگویی نهادی و انضباط قانون‌گذاری محل تردید است. از دید کارشناسان اقتصاد، این تصمیم‌ها صرفاً اصلاح فنی برنامه نیست، بلکه نشانه‌ای از چرخش در جهت‌گیری توسعه‌ای دولت است. کاهش رشد اقتصاد به ۲،۵ درصد، پذیرش نوعی «رکود زمزم» در سیاست‌گذاری اقتصادی است و اکت پرهوری به ۰،۵ درصد نشان می‌دهد بخش واقعی اقتصاد از مسیر آرام‌تری آبی فاصله گرفته است. کاهش سهم بودجه عمرانی از ۲۵ به ۱۲ درصد نیز بیانگر غلبه هزینه‌های جاری بر سرمایه‌گذاری مولد است؛ روندی که در بلندمدت ن‌تنه‌ها شد اشتغال را محدود می‌کند، بلکه با تضعیف زیرساخت‌ها، نرخ تورم ساختاری را هم افزایش می‌دهد.

چنین رفتاری در سطح کلان به معنای بازگشت به الگوی «توسعه بدون برنامه» است؛ الگویی که دهه ۱۳۹۰ نیز تجربه شد و نتیجه آن، رشد اقتصادی نزدیک به صفر و فرسایش ظرفیت تولید ملی بود. از نسوی دیگر، تغییر پی‌درپی اهداف برنامه‌ای باعث بی‌اعتمادی بخش خصوصی می‌شود؛ زیرا فعالان اقتصاد، دیگر نمی‌توانند افاق ثاباتی برای سرمایه‌گذاری ترسیم کنند. هر بار دولت اهداف مصوب خود را تغییر می‌دهد، ریسک تصمیم‌گیری اقتصادی افزایش می‌یابد و هزینه سرمایه‌گذاری بالا می‌رود.

■ **تحریم‌ها، بهانه یا واقعیت؟**

دولت در گزارش خود ۴ دلیل عمده برای غیر قابل اجرا بودن احکام برنامه ذکر کرده است: کمبود منابع مالی، ضعف ظرفیت اجرایی دستگاه‌ها، فراهم نبودن پیش‌شرط‌های قانونی و تغییر شرایط اقتصادی ناشی از تحریم‌ها. با این حال، تحلیلگران اقتصاد معتقدند تحریم‌ها نمی‌تواند بهانه‌ای برای ترک برنامه‌ریزی باشد. برعکس، در شرایط فشار خارجی، ضرورت انضباط مالی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بیش

پروژه خلع سلاح «مقاومت»

توطئه‌ای پشت نقاب «ثبات»

غزه؛ در فلسطین، اجرای همان سناریو با شدت و وضوح بیشتری دنبال می‌شود. طرح‌هایی که خلع سلاح کامل حماس را باور می‌دهند، زیرساخت‌های مقاومت را پیش‌شرط ادامه اتی‌س نابودی می‌کنند، در واقع معادله‌ای یک‌طرفه طراحی کرده‌اند؛ معادله‌ای که نه «حفظ امنیت» بلکه نابودی کامل بازدارندگی طرف مقابل را دنبال می‌کند. استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت آمریکا، در یکی از آخرین سخنرانی‌هایش در واشنگتن گفت: «خلع سلاح حماس ضروری است و این گروه هیچ آینده‌ای در غزه ندارد».

این جمله در ظاهر موضعی برای «پایان خشونت» جلوه داده می‌شود اما عملاً تلاش برای حذف کامل مقاومت فلسطین است. نابودی مقاومت غزه به عنوان حلقه اول مبارزه با رژیم صهیونیستی، راه را برای فشار بر دیگر اعضای محور مقاومت و در نهایت بر خود ایران باز می‌کند.

■ **هدف نهایی: تسلط بر ایران**

این موج خلع سلاح، صرفاً مساله‌ای محلی و محدود به کشورهای درگیر نیست، بلکه حلقه مکرمل زنجیره فشارهای اقتصادی، تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ روانی علیه ایران است. واشنگتن بخوبی می‌داند عمق استراتژیک ایران، یعنی پیوندها و معادلات منطقه‌ای‌اش بزرگ‌ترین سد در برابر سیاست‌های فشار خارجی است. تضعیف این شبکه متحد هم‌زبانه احتمالی هر مداخله نظامی را کاهش می‌دهد و هم توان دیپلماتیک و چانه‌زنی تهران را در پرونده‌های حساس امنیتی و هسته‌ای محدود می‌کند. به عبارت روشن‌تر: پیام واقعی این پروژه، زمین زدن نفوذ و جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای است.

■ **تکرار تجربه سوریه!**

خلع سلاح و تسلیم، به گسترش تهاجم می‌انجامد. تجربه سوریه به‌شمار روشنی می‌دهد: زمین گذاشتن سلاح نه امنیت برای ایران در برمی‌آورد، بلکه پوششی برای تضعیف بیشتر و آماده‌سازی میدان برای حملات یک‌طرفه بوده است. دشمن حتی در مواجهه با تسلیم کامل هم دست از حمله برنمی‌دارد. بنابراین، خلع سلاح بازوان بازدارنده در عمل آغاز دوراهی است که منجرسوی می‌تواند بدون ترس از هزینه متقابل، میدان را یک‌طرفه مدیریت کند.

■ **قدرتی که خلع‌شدنی نیست**

این پروژه فراتر از یک اقدام نظامی یا امنیتی ساده است؛ حرکتی تهاجمی برای شکستن روح استقلال منطقه‌ای و بازگرداندن کشورها به مدار وابستگی اما تجربه تاریخی نشان داده قدرتی که از ایمان، پیوند اجتماعی و اراده مردم منطقه برآمده باشد، باسته‌های مالی یا فشارهای دیپلماتیک خلع‌شدنی نیست. سلاح مقاومت در کنار اراده و تفکر جهاد، تنها تضمین‌کننده واقعی امنیت و کرامت ملت‌های منطقه و به عبارت دقیق‌تر، حافظ تعادل و امنیت کل منطقه غرب آسیاست؛ از تهران گرفته تا مسعا، بغداد و بیروت.

آنچه امروز به‌نام «خلع سلاح برای ثبات» مطرح می‌شود، در حقیقت زیربنایی‌ترین تهدید برای جایگاه ایران و معادلات منطقه‌ای است. پاسخ منطقی به این پروژه، افشای هدف واقعی آن، اتحاد منطقه‌ای مبتنی بر منافع ملت‌ها و تقویت راهکارهای سیاسی و اجتماعی درون‌ملی است تا هرگونه تلاش برای تضعیف استقلال و امنیت منطقه بی‌اثر بماند.